

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان  
دانشکده علوم اداری و اقتصاد  
گروه اقتصاد

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی علوم اقتصادی

**اثر رشد اقتصادی بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در ایران**

استاد راهنما  
دکتر شکوفه فرهمند

استاد مشاور  
دکتر سید کمیل طیبی

پژوهشگر  
محسن کریمی

مهر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات  
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

## چکیده

فقر در طول تاریخ بشری یکی از پدیده های نامطلوب اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف به شمار رفته و هم اکنون نیز به عنوان یکی از معضلات بزرگ جامعه ی جهانی شناخته می شود. فقر یک پدیده ی مقطعی نبوده و در طول زمان چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه مشاهده می شود. بنابراین، نابودی آن نیز به یکباره و در زمان محدود میسر نخواهد بود. با استناد بر نظریه ی رشد به نفع فقیر، این سؤال مطرح است که آیا رشد اقتصادی با افزایش متغیر های کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه می تواند یکی از عوامل اصلی کاهش فقر باشد. با توجه به نقش کلیدی و مهم رشد بخش های سه گانه (کشاورزی، صنعت و خدمات) در افزایش رفاه و کاهش فقر، نشان دادن رابطه ی آن ها هدف اصلی می باشد. باید در نظر داشت که درآمد سرانه بالاتر، لزوماً به معنای درآمد بالاتر برای همه و یا حتی اکثر خانوارها نمی باشد و حتی اگر میانگین درآمد و مصرف جامعه افزایش یابد، با توجه به وجود شکاف درآمدی، آنان که وضعیت رفاهی بهتری دارند، بخش اعظم منافع حاصل از رشد را به خود اختصاص می دهند و سهم گروه های فقیر، بسیار کمتر از گروه های دیگر افزایش می یابد. بنابراین بررسی اثر رشد اقتصادی بخش های ذکر شده بر رفاه اجتماعی یکی دیگر از اهداف این پژوهش است.

در این راستا، این مطالعه به بررسی اثر رشد اقتصادی بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در ایران می پردازد. عامل اصلی تولید در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نیروی کار بوده که هر چه از لحاظ کیفیت آموزشی و بهداشتی در سطح بالاتری قرار گیرد، دستیابی به رفاه بیشتر و کاهش فقر آسان تر خواهد بود. بنابراین، از متغیرهای آموزش نیروی انسانی و بهداشت به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. این پژوهش شامل دو مدل مجزا می باشد. مدل اول، اثر رشد اقتصادی بخشی بر فقر را در ایران بررسی می کند. در این مدل، داده ها به صورت سری زمانی در دوره ۸۶-۱۳۷۱ است و از روش *OLS* برآورد می شود. مدل دوم، این اثر را برای رفاه اجتماعی هم برای ایران برای دوره ۸۶-۱۳۷۱ با استفاده از تکنیک *OLS* و هم برای استان های ایران برای دوره ۸۶-۱۳۷۹ با استفاده از تکنیک *GMM* در نظر می گیرد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که هرچند با رشد بخش های مذکور رفاه اجتماعی در کشور افزایش پیدا کرده است و از شدت فقر کاسته شده است، اما این رشد همراه با افزایش نابرابری در بین خانوارها در بیشتر استان های کشور بوده است و بنا بر شاخص های مورد استفاده می توان نتیجه گرفت که کاهش فقر الزاماً به معنای افزایش رفاه نخواهد بود. همچنین تأثیر آموزش نیروی انسانی و بهداشت در افزایش رفاه و کاهش فقر به وضوح قابل مشاهده می باشد.

**واژگان کلیدی:** فقر، رفاه اجتماعی، رشد اقتصادی بخشی، نابرابری توزیع درآمد، تحلیل منطقه ای

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات پژوهش</b>
۱-۱-۱	مقدمه
۲-۱-۲	شرح و بیان مساله پژوهشی
۳-۱-۳	کاربرد نتایج پژوهش
۴-۱-۴	اهمیت و ارزش تحقیق
۵-۱-۵	اهداف تحقیق
۶-۱-۵-۱	اهداف اصلی
۶-۱-۵-۲	اهداف فرعی
۶-۱-۶	فرضیه های پژوهش
۷-۱-۶-۱	فرضیه های اصلی
۷-۱-۶-۲	فرضیه های فرعی
۷-۱-۷	روش پژوهش
۷-۱-۷-۱	نوع مطالعه
۸-۱-۷-۲	ابزار گردآوری دادهها
۸-۱-۷-۳	ابزار تجزیه و تحلیل
۹-۱-۷-۴	قلمرو پژوهش
۹-۱-۸	واژه های کلیدی

## فصل دوم: ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

۱۱-۲-۱	مقدمه
۱۲-۲-۲	فقر
۱۳-۲-۳	شاخص های اندازه گیری فقر
۱۳-۲-۳-۱	خط فقر
۱۳-۲-۳-۲	شاخص نسبت افراد فقیر
۱۴-۲-۳-۳	شاخص نسبت شکاف درآمدی
۱۴-۲-۳-۴	شاخص فقر سن

عنوان	صفحه
۵-۳-۲- فقرآموزشی و بهداشتی در کنار فقر قابلیت و فقر درآمدی.....	۱۵
۴-۲- فقر و رشد اقتصادی.....	۱۷
۱-۴-۲- رشد به نفع فقیر.....	۱۹
۱-۱-۴-۲- اندازه گیری رشد به نفع فقیر.....	۲۰
۲-۴-۲- مبادله رشد-نابرابری.....	۲۲
۳-۴-۲- نرخ رشد معادل فقر.....	۲۳
۵-۲- رشد بخشی و فقر.....	۲۴
۱-۵-۲- رشد بخش کشاورزی و کاهش فقر.....	۲۴
۵-۴-۲- رشد بخش صنعت و کاهش فقر.....	۲۸
۶-۴-۲- رشد بخش خدمات و کاهش فقر.....	۲۹
۵-۲- سرمایه ی انسانی و نقش آموزش در آن.....	۳۰
۶-۲- بهداشت، سلامت و رشد اقتصادی.....	۳۲
۷-۲- رفاه.....	۳۴
۱-۷-۲- رفاه اجتماعی.....	۳۴
۱-۱-۷-۲- تابع رفاه اجتماعی سن.....	۳۵
۲-۱-۷-۲- تعمیم تابع رفاه اجتماعی سن.....	۳۶
۲-۷-۲- معیارهای فقر و رفاه اجتماعی.....	۳۸
۸-۲- مروری بر مطالعات انجام شده.....	۴۱
۱-۸-۲- مطالعات خارجی.....	۴۱
۲-۸-۲- مطالعات داخلی.....	۴۴
۹-۲- خلاصه فصل.....	۴۷

### فصل سوم: روش پژوهش

۱-۳- مقدمه.....	۴۹
۲-۳- قلمرو پژوهش.....	۵۰
۱-۲-۳- قلمرو موضوعی.....	۵۰
۲-۲-۳- قلمرو زمانی.....	۵۰
۳-۲-۳- قلمرو مکانی.....	۵۰

عنوان	صفحه
۳-۳- تحلیل روند رفاه اجتماعی، فقر و رشد بخشی در ایران.....	۵۰
۴-۳- روش پژوهش.....	۶۰
۳-۴-۱- توصیف متغیرهای مورد استفاده.....	۶۰
۳-۴-۲- تصریح الگوی پژوهش.....	۶۲
۳-۴-۳- روش برآورد الگوی پژوهش.....	۶۴
۳-۴-۳-۱- داده های تابلویی.....	۶۴
۳-۴-۳-۲- روش اثرات ثابت.....	۶۵
۳-۴-۳-۳- اثرات تصادفی.....	۶۶
۳-۴-۳-۴- آزمون $F$ لیمر.....	۶۶
۳-۴-۳-۵- آزمون هاسمن.....	۶۷
۳-۵- مدل رگرسیون پویا.....	۶۸
۳-۵-۱- مشخصات مدل پانل پویا با متغیرهای توضیحی.....	۶۹
۳-۵-۱-۱- مدل پانل پویا با متغیرهای توضیحی وابسته به زمان.....	۶۹
۳-۵-۱-۲- مدل پانل پویا با متغیرهای توضیحی زمان ثابت.....	۷۰
۳-۵-۲- برآورد پارامترهای مدل پانل پویا با متغیرهای توضیحی.....	۷۱
۳-۵-۳- روش برآورد $GMM$ .....	۷۳
۳-۵-۳-۱- انواع برآورد $GMM$ .....	۷۵
۳-۵-۴- آزمون سنجش اعتبار تخمین زنده $GMM$ .....	۷۶
۳-۵-۴-۱- آزمون همبستگی سریالی.....	۷۶
۳-۵-۴-۲- آزمون سارگان.....	۷۶
۳-۶- خلاصه فصل.....	۷۷

#### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل نتایج پژوهش

۴-۱- مقدمه.....	۷۸
۴-۲- آمارهای توصیفی متغیرهای مدل.....	۷۹
۴-۳- آزمون مانایی.....	۸۰
۴-۴- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل اثر رشد اقتصادی بخشی بر فقر در ایران.....	۸۲

عنوان	صفحه
۴-۵- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل اثر رشد اقتصادی بخشی بر رفاه اجتماعی در ایران و به تفکیک استان های ایران .....	۸۳
۴-۶- خلاصه فصل .....	۸۷

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱- مقدمه .....	۸۸
۵-۲- خلاصه پژوهش .....	۸۹
۵-۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها .....	۸۹
۵-۳-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه های مدل فقر .....	۸۹
۵-۳-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه های مدل رفاه اجتماعی .....	۹۱
۵-۴- محدودیت های پژوهش .....	۹۲
۵-۵- پیشنهادهای سیاستی .....	۹۲
۵-۶- پیشنهادها برای مطالعات آینده .....	۹۳
پیوست ها .....	۹۴
منابع و مأخذ .....	۱۰۲

## فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۵۳	جدول (۱-۳): رفاه اجتماعی بر اساس درآمد سرانه جاری طبق سه سناریو مختلف.....
۷۹	جدول (۱-۴): ضریب جینی، رفاه اجتماعی و درصد افراد زیر خط فقر در کشور، ۱۳۸۶-۱۳۷۱.....
۸۰	جدول (۲-۴): ضریب جینی، رفاه اجتماعی و رشد بخشی در استان های کشور، ۱۳۸۶-۱۳۷۹.....
۸۱	جدول (۳-۴): نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای دو مدل.....
۸۶-	جدول (۴-۴): نتایج برآورد مدل تأثیر رشد اقتصادی بخشی بر فقر با استفاده از داده های سری زمانی، ۸۶-
۸۲	۱۳۷۱.....
	جدول (۵-۴): نتایج برآورد مدل تأثیر رشد اقتصادی بخشی بر رفاه اجتماعی با استفاده از داده های سری
۸۴	زمانی (OLS) و پانل (GMM).....

## فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۲۷	شکل (۱-۲): ارتباط بخش کشاورزی و غیر کشاورزی در کاهش فقر.....
۳۹	شکل (۲-۲): مبادله فقر و رفاه اجتماعی.....
۴۵	شکل (۳-۲): رشد فقر مناطق شهری طی سال های ۸۴-۷۵.....
۵۱	شکل (۱-۳): روند تغییرات ضریب جینی در مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۵-۱۳۶۳).....
۵۲	شکل (۲-۳): بررسی کارایی پارتو (۱۳۸۵-۱۳۷۰).....
۵۴	شکل (۳-۳): تغییرات درآمدی استان های کشور ۱۳۸۶-۱۳۷۹ (میلیارد ریال).....
۵۵	شکل (۴-۳): رفاه اجتماعی خانوارهای استان های کشور در سال ۱۳۸۶ (ریال).....
۵۷	شکل (۵-۳): رشد بخش کشاورزی استان های کشور (۸۶-۱۳۷۹).....
۵۸	شکل (۶-۳): رشد بخش صنعت استان های کشور (۸۶-۱۳۷۹).....
۵۹	شکل (۷-۳): رشد بخش خدمات استان های کشور (۸۶-۱۳۷۹).....

## فصل اول

### کلیات پژوهش

#### ۱-۱- مقدمه

رشد اقتصادی با افزایش متغیرهای کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه که در آغاز، یکی از معیارهای توسعه یافتگی به شمار می‌آید، پس از مدتی با ایجاد شکاف بیشتر میان کشورهای غنی و دیگر کشورها، به عنوان تنها عامل مؤثر در افزایش رفاه و کاهش فقر، مورد تردید واقع شد و چگونگی توزیع منافع رشد اقتصادی و منافع دیگر مربوط به عدالت اجتماعی، ابعاد دیگری از رفاه و توسعه را مطرح کرد. پدیده‌ی فقر که خود نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و سلامتی جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید کرده، موجب افزایش مرگ و میر، کاهش متوسط طول عمر، افت کارایی انسان‌ها و در نهایت تنزل بهره‌وری اقتصادی می‌گردد. یکی از عواملی که بر طرف کننده‌ی این پدیده است، افزایش رفاه می‌باشد. اهداف رفاهی شامل تولید امکانات رفاهی مانند بیمه بیکاری، بهداشت، آموزش،

بازنشستگی و فقرزدایی است (سن، ۱۹۹۶). لذا معضل فقر و اهمیت رفاه موضوعی است که باید به طور جدی مورد توجه و بحث و بررسی قرار گیرد.

در این فصل در ادامه به شرح و بیان مسأله پژوهشی و اهمیت بررسی تأثیر رشد اقتصادی بخشی بر فقر و رفاه در استان‌های ایران اشاره می‌شود. در بخش (۴-۱) اهداف پژوهش ارائه می‌گردد. پس از آن در بخش (۵-۱) فرضیه‌های پژوهش بیان می‌شود. در بخش (۶-۱) اشاره‌ای کوتاه به روش پژوهش شده است که در فصل سوم به تفصیل بیان می‌شود و در بخش (۷-۱) به تعریف واژه‌های مهم و کلیدی موجود در متن پژوهش پرداخته شده است.

## ۲-۱- شرح و بیان مسأله پژوهشی

فقر در طول تاریخ بشری یکی از پدیده‌های نامطلوب اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف به شمار رفته و هم‌اکنون نیز به عنوان یکی از معضلات بزرگ جامعه‌ی جهانی شناخته می‌شود. مطالعات کمی و مدون در خصوص شناسایی جنبه‌های مختلف فقر تقریباً از نیمه‌ی دوم قرن بیستم آغاز شده است (حسینی نژاد و اقتصادیان، ۱۳۸۲). از آنجا که مسأله فقر در کشور ما نیز به عنوان یکی از مشکلات پیش روی جامعه از دیر باز مطرح بوده است، طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی و به ویژه پس از جنگ تحمیلی، دولت درصدد بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر برآمده است. در خلال سال‌های اولیه ورود واژه‌ی توسعه به مباحث اقتصادی، متخصصان توسعه اقتصادی مسائلی چون فقر و نابرابری را نادیده می‌گرفتند و فرض می‌کردند که اگر محصول ناخالص ملی افزایش یابد، رفاه همگان افزایش خواهد یافت. اما از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد نگرانی‌های در مورد توجه صرف به تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار توسعه مطرح شد و پس از آن توجه خاصی به مسأله‌ی فقر، توزیع درآمد و نابرابری معطوف گردید (راوالیون و دات، ۲۰۰۲). مطابق با ادبیات اقتصادی یکی از عوامل مؤثر بر کاهش فقر، رشد اقتصادی است. از آنجایی که بخش‌های مختلف اقتصادی ویژگی‌های متفاوتی دارند، رشد هر بخش اثر متمایزی بر کاهش فقر خواهد داشت.

یکی دیگر از مباحث مهم اقتصادی-اجتماعی که از گذشته تا کنون در مجامع، سازمان‌ها و متون اقتصادی مطرح گردیده است، رفاه می‌باشد. در کشورهای توسعه‌یافته، یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاران اقتصادی ارتقای کیفیت، استاندارد و سطح رفاه زندگی در جامعه است. در کشورهای در حال توسعه نیز فقط رشد اقتصادی هدف تلقی نمی‌شود، بلکه این کشورها همگام با کشورهای توسعه‌یافته، افزایش رفاه اجتماعی را یکی از هدف‌های اصلی و از معیارهای توسعه‌یافتگی در نظر می‌گیرند. در دهه‌ی ۱۹۷۰ درآمد سرانه به عنوان معیار رفاه مردم در نظر

گرفته می‌شد. بنابراین رشد اقتصادی، محور اصلی توسعه‌ی ملت‌ها بود. با توجه به اینکه درآمد سرانه از جمله عوامل اصلی برای افزایش رفاه در جامعه می‌باشد، می‌توان از این شاخص به عنوان مهمترین عامل مؤثر بر روند رفاه در جامعه اشاره داشت. درآمد، شرط لازم و نه کافی برای داشتن رفاه می‌باشد. توجه خاص به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌ی درآمد شرط کافی افزایش رفاه اقشار فقیر جامعه است (آمارتیا سن، ۱۹۷۶). با توجه به اینکه توزیع درآمد و سطح رفاه در هر منطقه‌ای متفاوت از دیگری است، این مطالعه هم برای کشور ایران و هم به تفکیک استان‌ها انجام می‌شود و یک مطالعه‌ی منطقه‌ای است. بین فقر و رفاه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به منظور بررسی اثرات رشد اقتصادی به تفکیک بخشی برای ایران از داده‌های فقر و رفاه استفاده می‌شود و به دلیل عدم دسترسی به داده‌های مربوط به فقر در سطح استان، داده‌های رفاه اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

در بین فعالیت‌های اقتصادی، با رشد بخش کشاورزی انتظار می‌رود که توزیع درآمد متناسب‌تر و از شدت فقر کاسته شود. اکثر فعالیت‌های کشاورزی مربوط به افراد کم‌درآمد جامعه می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه کشاورزی یکی از مهمترین فعالیت‌های اشتغال‌زایی افراد فقیر مناطق روستایی و شهری است، لذا رشد اقتصادی در آن می‌تواند علاوه بر کاهش شکاف درآمدی بین مناطق شهری و روستایی، شکاف درآمدی بین افراد فقیر و غنی در جامعه‌ی روستایی و شهری را نیز کاهش دهد (پائو و تورلو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). در کنار بخش کشاورزی رشد صنعت نیز یکی از راه‌کارهای ایجاد درآمد و اشتغال و تولید مهارت می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که کامیاب‌ترین اقتصادها آنهایی بوده که بخش صنعت خود را در جهت افزایش صادرات به کار انداخته که در تخفیف فقر هم بسیار مؤثر بوده است (موفقیان، ۱۳۸۴).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کنار دو بخش کشاورزی و صنعت سرعت رشد بخش خدمات (از لحاظ ایجاد اشتغال) بیشتر بوده است. خدمات آموزشی، بهداشتی و تفریحی بر کیفیت کار سازمان‌ها تأثیر مثبت دارد. خدمات حرفه‌ای، تخصص‌های ویژه را برای رقابت‌پذیری در اختیار بنگاه‌ها می‌گذارد. حتی در مورد تولید کالا باید گفت که بخش مهمی از ارزش افزوده‌ی محصولات، حاصل نهاده‌های خدماتی است. بدین ترتیب، اثر رشد این بخش بر کاهش فقر متمایز از دو بخش دیگر خواهد بود.

یکی از سیاست‌های دیگری که همواره در مبارزه با فقر مطرح می‌شود، افزایش سرمایه‌ی نیروی انسانی افراد از طریق آموزش است. افزایش سطح سواد امکان اشتغال را برای فرد افزایش داده و با توجه به تفاوت دستمزد کارگران ماهر و غیر ماهر، موجب افزایش درآمد می‌گردد. طی قرن حاضر، تحصیلات، مهارت‌ها و سایر دانش-

ها به صورت عوامل اصلی مؤثر بر بهره‌وری افراد درآمده است، به طوری که می‌توان این قرن را عصر سرمایه انسانی نامید، به این مفهوم که عامل اصلی در سطح زندگی افراد یک کشور، میزان توانایی آن در توسعه و بهره برداری از مهارت، دانش، سلامت و بهداشت آن ملت است. تحصیلات و آموزش نه تنها سبب ارتقای رشد و کارایی است، بلکه نابرابری و آثار زمینه‌های نامساعد را کاهش می‌دهد. لذا بر اساس نظریه‌ی اقتصاد خرد، از آن جا که نیروی کار، دستمزدی متناسب با بهره‌وری نهایی خود دریافت می‌کند و آموزش نیز از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی کارایی و بهره‌وری نیروی کار است، هر چه سطح آموزش فرد بالاتر باشد، درآمد نسبی او نیز بیشتر خواهد بود. به این ترتیب، قشر فقیر و محروم جامعه با کسب آموزش بیشتر، می‌تواند از بند فقر رهایی یابد (عدلی، ۱۳۸۰).

وجود نابرابری درآمدی، یکی دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار بر فقر بوده و رابطه تنگاتنگی با آن دارد. در واقع هرچه نابرابری درآمدی بیشتر شود، شکاف بین فقرا و ثروتمندان زیاد شده و همین شکاف، منجر به گسترش معضل فقر می‌گردد. مطالعات نشان می‌دهد که درآمد کم و سطح نازل زندگی فقرا که در بهداشت، تغذیه و آموزش نامناسب آنان نمایان می‌شود، شدیداً بهره‌وری اقتصادی را کاهش و بدین ترتیب به طور مستقیم و غیر مستقیم به رشد کندتر اقتصادی می‌انجامد (چن و وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳).

از آنجا که رشد بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و تأثیر متغیرهایی چون آموزش، بهداشت و کمک‌های اجتماعی جزء متغیرهای کلان اقتصادی می‌باشد، حال این سؤال مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین متغیرهای ذکر شده که بعضاً به عنوان متغیرهای سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرند با فقر و رفاه اجتماعی وجود دارد؟ در این راستا، در تحقیق حاضر، فقر در ارتباط با رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) به تفکیک بخشی بررسی می‌شود. به عنوان مثال، اگر سیاستی در سطح کلان موجب تغییر قیمت‌های نسبی به سود بخش کشاورزی شود و بیشتر فقرا در این بخش قرار داشته باشند، انتظار می‌رود که با رشد این بخش فقر کاهش یابد.

### ۳-۱- کاربرد نتایج پژوهش

با شناخت رابطه‌ی بین رشد اقتصادی بخشی و فقر و شدت اثرگذاری آن می‌توان در جهت تعدیل نابرابری و کاهش فقر کشور و استان‌ها گامی اساسی برداشت. همچنین به دلیل استفاده از شاخص رفاه آماری تپاسن و اطلاعات مربوط به هزینه و درآمد خانوار و امکان مقایسه‌ی دهک‌های درآمدی در هر استان، این مطالعه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و به خصوص سیاست‌های یارانه‌ای و مالیاتی، برای جلوگیری از فقر، مؤثر خواهد بود. به

این دلیل که با مشخص شدن شاخص رفاه اجتماعی در کشور و هر یک از استان‌ها، پرداخت یارانه و اخذ مالیات می‌تواند به صورت عادلانه صورت گیرد. نتایج این پژوهش قابل استفاده در سازمان‌هایی مرتبط با بخش کشاورزی، صنعت و خدمات نیز می‌باشد.

#### ۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

فقر یکی از پیچیده‌ترین مسائل اقتصادی است که حل آن نیازمند شناخت عمیق و دقیق می‌باشد. موضوع فقر در یک جامعه هنگامی اهمیت می‌یابد که به صورت فراگیر و پایدار بروز نماید. درچنین شرایطی تدوین و اجرای سیاست‌های فراگیر و هماهنگ در جهت فقرزدایی لازم و ضروری است. این سیاست‌ها باید به نحوی اتخاذ گردند که با توجه به محدودیت تخصیص منابع فقط واجدین شرایط را مد نظر قرار دهد. در پژوهش‌های مرتبط با فقر کم و بیش، این اندیشه بدیهی تلقی شده است که هرچه در مورد فقر بیشتر آگاهی کسب شود، کاهش آن آسان‌تر خواهد بود (السین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در این راستا تجزیه و تحلیل هزینه و درآمد خانوارها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در زمان سیاست‌گذاری‌های اقتصادی آگاهی از سطح درآمد خانوارها و هدف قرار دادن گروه‌های هدف برای کاهش نابرابری و فقر الزامی است. بدین لحاظ شناخت افراد فقیر که می‌تواند کمکی در راستای توزیع هر چه بهتر درآمد ملی باشد در زمره‌ی علم اقتصاد ارزشی<sup>۲</sup> است. با توجه به اینکه اندیشیدن به تولید ناخالص داخلی مسأله‌ی فقر را بر طرف می‌کند، حال می‌توان این روند را معکوس کرد و به فکر فقر بود. به عبارت دیگر از روند رشد بخش‌های اصلی تولید ناخالص ملی به مسأله‌ی فقر پرداخت و از دید اقتصاد کلان این موضوع را بررسی کرد.

از سوی دیگر یکی از اهداف مهم هر نوع سیاست‌گذاری اقتصادی، بهبود رفاه بهبود رفاه عمومی و مشخصاً افزایش رفاه اقشار کمتر بهره‌مند جامعه می‌باشد. از آنجا که میزان رفاه اجتماعی خانوارها به میزان درآمد آن‌ها و توزیع مناسب درآمد بستگی دارد. لذا افزایش در هر یک از این دو متغیر، باعث افزایش سطح رفاه اجتماعی- اقتصادی در کل جامعه خواهد شد.

دراین مطالعه مهمترین عوامل تأثیر گذار بر فقر و رفاه اجتماعی در نظر گرفته شده است. این متغیرها در سه بعد بررسی شده‌اند: الف) بخش‌های سه‌گانه اقتصادی (شامل بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات). ب) آموزش و سرمایه‌ی انسانی نیروی کار. ج) بهداشت و مددکاری اجتماعی. استنباط بر این است که با بررسی این متغیرها و تأثیر آن‌ها بر فقر و رفاه اجتماعی میزان تولید، اشتغال و بهره‌وری افزایش یافته و از تعداد افراد فقیر کاسته شود.

---

1 . Elseyen  
2 . Normative Economics

بررسی مقدار تأثیر هر یک از این عوامل بر فقر و رفاه اجتماعی و پیامدهای تغییر در آن‌ها بینشی گسترده در این مقوله به دست خواهد داد. این بینش باعث سیاست‌گذاری‌های مناسب، کاهش در اتلاف منابع و موثر بودن برنامه‌ها در ریشه‌کنی معضل فقر و افزایش رفاه و تسریع دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد. از سوی دیگر افزایش تخصص و تحصیلات، باعث افزایش آگاهی نیروی کار می‌شود و با توجه به اینکه عامل اصلی تولید در هر سه بخش نیروی کار است، با افزایش آموزش آن از شدت فقر کاسته خواهد شد. بنابراین هدف اصلی رشد اقتصادی همراه با کاهش فقر و افزایش رفاه اجتماعی می‌باشد.

### ۱-۵-۱- اهداف تحقیق

در این پژوهش، در ابتدا تأثیر رشد اقتصادی بخشی بر فقر شهری و روستایی ایران و سپس به اثر رشد اقتصادی بخشی بر رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی دوره‌ی ۱۳۸۶-۱۳۷۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا در این مطالعه اهداف زیر مد نظر خواهند بود:

#### ۱-۵-۱-۱- اهداف اصلی

- ۱- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخشی بر فقر در ایران.
- ۱-۱- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش کشاورزی بر فقر در ایران.
- ۲-۱- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش صنعت بر فقر در ایران.
- ۳-۱- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش خدمات بر فقر در ایران.
- ۲- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخشی بر رفاه اجتماعی ایران.
- ۲-۱- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش کشاورزی بر رفاه اجتماعی ایران.
- ۲-۲- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش صنعت بر رفاه اجتماعی ایران.
- ۲-۳- تحلیل اثر رشد اقتصادی بخش خدمات بر رفاه اجتماعی ایران.

#### ۱-۵-۲- اهداف فرعی

- ۱- تحلیل اثر آموزش نیروی انسانی بر فقر در ایران.
- ۲- تحلیل اثر بهداشت بر فقر در ایران.
- ۳- تحلیل اثر آموزش نیروی انسانی بر رفاه اجتماعی در ایران.
- ۴- تحلیل اثر بهداشت بر رفاه اجتماعی در ایران.

## ۱-۶-۶-فرضیه‌های پژوهش

### ۱-۶-۱-فرضیه‌های اصلی

- ۱- رشد اقتصادی بخشی، فقر را در دوره‌ی مطالعه کاهش داده است.
- ۱-۱- رشد اقتصادی بخش کشاورزی فقر را در ایران کاهش خواهد داد.
- ۲-۱- رشد اقتصادی بخش صنعت فقر را در ایران کاهش خواهد داد.
- ۳-۱- رشد اقتصادی بخش خدمات فقر را در ایران کاهش خواهد داد.
- ۲- رشد اقتصادی بخشی، رفاه اجتماعی ایران را در دوره‌ی مطالعه افزایش داده است.
- ۲-۱- رشد اقتصادی بخش کشاورزی، بر افزایش رفاه اجتماعی ایران اثر مثبت دارد.
- ۲-۲- رشد اقتصادی بخش صنعت، بر افزایش رفاه اجتماعی ایران اثر مثبت دارد.
- ۲-۳- رشد اقتصادی بخش خدمات، بر افزایش رفاه اجتماعی ایران اثر مثبت دارد.

### ۱-۶-۲-فرضیه‌های فرعی

- ۱- افزایش سرمایه‌ی انسانی در قالب افزایش آموزش، فقر را کاهش خواهد داد.
- ۲- افزایش سطح بهداشت فقر را کاهش خواهد داد.
- ۳- افزایش سرمایه‌ی انسانی در قالب افزایش آموزش، بر افزایش رفاه اجتماعی اثر مثبت دارد.
- ۴- افزایش سطح بهداشت بر افزایش رفاه اجتماعی اثر مثبت دارد.

## ۱-۷-۷-روش پژوهش

### ۱-۷-۱-نوع مطالعه

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه‌ی پژوهش توصیفی و علی است. برای جمع آوری مطالب مربوط به ادبیات موضوع، از روش کتابخانه‌ای و از منابعی نظیر کتب، مجلات، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی در اینترنت استفاده شده است. مبانی نظری موجود بر فقر و رشد اقتصادی پاسخگوی دو سوال اساسی است:

- ۱- سهم فقر از رشد اقتصادی هر یک از بخش‌های اقتصادی چه مقدار است؟
- ۲- چه عواملی تفاوت تأثیر رشد اقتصادی بخشی بر فقر و رفاه را توضیح می‌دهد؟

در پاسخ به دو سوال فوق دو دسته عامل در تعیین اثر رشد بر فقر و رفاه تأکید شده است که یکی شامل الگوی رشد بخشی و دیگری عوامل کنترلی شامل سطح سرمایه انسانی، سطح سلامت افراد، گسترش زیر ساخت‌ها و غیره می‌باشد.

این بررسی به تحلیل اثر رشد اقتصادی بخشی، آموزش نیروی انسانی و بهداشت بر وضعیت فقر شهری و روستایی و رفاه اجتماعی استان‌های ایران می‌پردازد. بنابراین با توجه به مبانی نظری، فرض می‌شود که وضعیت فقر و رفاه تحت تأثیر رشد بخش‌های سه گانه‌ی کشاورزی، صنعت و خدمات قرار می‌گیرد. همچنین با افزایش سطح سواد و به تبع آن افزایش سطح آگاهی افراد جامعه، انتظار می‌رود که از شدت فقر کاسته و بر شدت رفاه افزوده شود. اهمیت نقش نیروی انسانی بر کاهش فقر نیز مسئله‌ای در حوزه توسعه‌ی اقتصادی است. باید توجه داشت که سرمایه گذاری در سرمایه‌ی انسانی به تنهایی قادر به برطرف نمودن معضل فقر نبوده و هنگامی جامعه‌ی عمل به خود می‌پوشاند که همگام با سلامت افراد باشد.

#### ۱-۷-۲- ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از آمار تولید ناخالص داخلی به صورت بخشی و به تفکیک استانی بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ که توسط مرکز آمار گرد هم آمده، استفاده شده است. برای محاسبه‌ی فقر از داده‌های مربوط فقر شهری و روستایی که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده، استفاده می‌شود. از طرف دیگر، برای محاسبه‌ی شاخص رفاه اجتماعی از آمار مربوط به هزینه و درآمد سالانه‌ی خانوارها به تفکیک هر استان و برای آموزش از مخارج آموزشی این بخش به تفکیک استان در دوره‌ی مذکور، شامل آموزش ابتدایی، آموزش متوسط عمومی و متوسط فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و آموزش بزرگسالان (انتشارات مرکز آمار)، استفاده شده است. سطح بهداشت نیز از طریق شاخص مخارج بهداشتی اندازه‌گیری خواهد شد.

#### ۱-۷-۳- ابزار تجزیه و تحلیل

تحلیل داده‌ها بر اساس روش‌های اقتصادسنجی و آماری صورت می‌گیرد. برآورد مدل با کمک روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)<sup>۱</sup> برای داده‌های پانل و با استفاده از نرم افزارهای STATA و EViews صورت می‌گیرد. در روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) از محدودیت گشتاوری خطی برای حصول تخمین‌های سازگار استفاده می‌گردد. بدین ترتیب دیگر به فرض برونزای اکید ابزارها برای شناسایی نیازی نیست. با در نظر گرفتن برخی مفروضات اضافی شامل عدم همبستگی جمله خطا در متغیرهای توضیحی و همچنین عدم

---

1. Generalized Method of Moments

وجود خود همبستگی در خطاها، بردار ضرایب را می توان با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته که یک برآورگر متغیر ابزاری است، برآورد کرد. با استفاده از چارچوب GMM می توان تشخیص داد که استفاده از چه تعداد وقفه متغیر وابسته و متغیر از پیش تعیین شده به عنوان متغیر ابزاری جایز است و اینکه چگونه این وقفه ها را با اولین تفاضل متغیرهای به شدت برونزا در یک ماتریس ابزاری که قابلیت این را دارد که بسیار بزرگ باشد ترکیب کنند (اگر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰).

#### ۱-۷-۴- قلمرو پژوهش

قلمرو مکانی در این پژوهش، برای مدل فقر کل کشور و برای مدل رفاه اجتماعی کل کشور و مجموعه ی استان کشور می باشد که از بین آن ها، ۲۸ استان که داده های آن ها در دسترس است در نظر گرفته شده اند. این استان ها عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد. دوره ی مورد بررسی در این پژوهش برای کل کشور بین سال های ۸۶-۱۳۷۱ و برای مجموعه استان های کشور بین سال های ۸۶-۱۳۷۹ می باشد.

#### ۱-۸- واژه های کلیدی

فقر: بنا به گزارش سازمان ملل افرادی فقیر محسوب می شوند که از حداقل زندگی در شأن انسان محروم باشند. افراد، خانوارها و گروه های اجتماعی را زمانی می توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم های غذایی، مشارکت در فعالیت ها، شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند (تانسند<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹، ص ۳۱). فقر حیطة هایی از قبیل نقصان و کمبود در دارایی، سلامتی، امید به زندگی، آموزش و تحصیلات، اختیار و قدرت و سایر شاخص های اجتماعی را در بر می گیرد. در متون اقتصادی دو نوع فقر وجود دارد: اول، فقر مطلق که از طریق خط فقر قابل اندازه گیری است و با توجه به حداقل هزینه های لازم در زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت تعیین می شود و دوم، فقر ناشی از نابرابری در آمدی یا فقر نسبی است که فرد حداقل ها را داشته، لیکن نسبت به سایر افراد جامعه، فقیر محسوب می شود (راوالیون و دات<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، ص ۳۸۵).

---

1. Egger  
2. Townsend  
3. Datt & Ravallion

رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی یک رتبه بندی از کلیه انتخاب‌های در مقابل جامعه را در یک مقیاس مشترک ارائه می‌دهد. تابع رفاه اجتماعی، تابعی از رفاه فردی افراد است (شاگری، ۱۳۸۵). اهداف رفاهی شامل کاهش بیکاری، افزایش سطح بهداشت و آموزش، برقراری عدالت اجتماعی و فقرزدایی می‌باشد.

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی عبارت است از افزایش مداوم درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی در طول زمان (دایت، پرکینز و رومر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). منظور از رشد اقتصادی بخشی در این پژوهش افزایش مداوم تولید ناخالص داخلی در هر یک از سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به تفکیک استان‌های کشور می‌باشد. نابرابری‌های درآمدی: تفاوت درآمدی بین افراد خانوارها یا گروه‌های مختلف در مناطق و یا کشورهای مختلف که منجر به استفاده متفاوت از فرصت‌ها و امکانات اقتصادی می‌شود را نابرابری درآمدی گویند (لونز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶، ص ۱۴۳).

سرمایه‌ی انسانی: مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که موجب بهبود در کیفیت نیروی انسانی شده و بر کمیت و کیفیت تولید می‌افزاید و برای دارنده‌ی این مهارت‌ها و قابلیت‌ها افزایش درآمد ایجاد می‌کند (بینگ جو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲، ص ۳۳۳).

تحلیل منطقه‌ای: چارچوبی است که در آن خصوصیات فضایی سیستم‌های اقتصادی را می‌توان درک نمود. خصوصیات فضایی به این معنی که بعد فضایی عواملی را که در توزیع فعالیت‌های اقتصادی موثر است، شناسایی کرده و از آن طریق، آثار تغییر توزیع این گونه فعالیت‌ها بر وضعیت افراد و جامعه بررسی می‌شود (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴).

---

1. Dwight & Perkins & Roemer  
2. Lonze  
3. Beyengju